

تحلیلی بر وضعیت نابرابری شاخص‌های مسکن در مناطق روستایی استان آذربایجان غربی

نصرت مرادی^{۱*} - یوسف قنبری^۲ - الهام ویسی^۳ - عیسی بهاری^۴ - ادريس يوسف زاده^۵

۱- دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۲- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

۴- دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۵- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۳/۲۶ صص ۶۵-۵۱ تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۰۱/۲۹

چکیده

هدف: این پژوهش که از نوع توصیفی-تحلیلی، علی است با هدف تحلیل نابرابری و سطوح برخورداری شهرستان‌های استان آذربایجان غربی بر اساس شاخص‌های مسکن روستایی صورت گرفته است.

روش: اطلاعات مربوط به ۳۸ شاخص مورد استفاده، بر اساس داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، در چهار گروه زیربنایی و رفاهی، استحکام سازه، امکانات و تسهیلات و بهداشتی دسته‌بندی شده و با استفاده از مدل تاپسیس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نهایتاً مناطق روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان غربی بر اساس روش تحلیل خوشه‌ای سطح‌بندی و وضعیت برخورداری آن‌ها با نرم‌افزار ArcGIS بر روی نقشه نمایش داده شده است.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که بیشترین نابرابری بین شهرستان‌ها مربوط به شاخص‌های بهداشت مسکن و کم‌ترین نابرابری مربوط به شاخص‌های استحکام سازه است. نتیجه ترکیبی شاخص‌ها نیز نشان داد که بیش از نیمی از شهرستان‌های استان آذربایجان غربی در زمینه بهره‌مندی از شاخص‌های مسکن روستایی در وضعیت مناسبی قرار دارند و مابقی شهرستان‌ها در وضعیت متوسط و متوسط به پایین واقع شده‌اند. مقایسه نتایج به دست آمده به تفکیک شاخص‌ها و نتایج ترکیبی شاخص‌های مسکن روستایی نشان می‌دهد که نابرابری بین شهرستان‌ها در برخورداری از هر یک از شاخص‌های مسکن روستایی بیشتر است در حالی که این نابرابری در شاخص‌های ترکیبی مسکن روستایی کم‌تر دیده می‌شود.

محدودیت‌ها: دسترسی به اطلاعات دقیق با جزئیات بیشتر و نیز معایب مربوط به یک مدل خاص برای سنجش وضعیت شاخص‌های مسکن روستایی، می‌تواند یکی از محدودیت‌های مطالعه حاضر به حساب آید.

راهکارهای عملی: جهت برقراری تعادل منطقه‌ای و حرکت به سمت توسعه پایدار در منطقه مورد مطالعه، لازم است که سیاست‌های توسعه مسکن نگاه ویژه‌ای به مناطق روستایی کم‌جمعیت و سکونتگاه‌های منزوی و حاشیه‌ای داشته باشد؛ در غیر این صورت شاهد نابرابری‌های بیشتر و متعاقباً تخلیه هر چه بیشتر روستاها خواهیم بود.

اصالت و ارزش: شناخت نابرابری‌ها و عدم تعادل‌ها در چارچوب محدوده‌های جغرافیایی از مهم‌ترین ابزارهای برنامه‌ریزی به شمار می‌رود. تحلیل و تعیین سطوح برخورداری مناطق از لحاظ امکانات و خدمات نسبت به یکدیگر، موجب شناخت نقاط ضعف و قوت، توان‌ها و کمبودهای آن‌ها در فضاهای جغرافیایی می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: سطوح برخورداری، استان آذربایجان غربی، شاخص، مسکن روستایی، مدل تاپسیس، مدل تحلیل خوشه‌ای.

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مسئله

مقوله مسکن از جمله مهم‌ترین مسائلی است که انسان‌ها همواره با آن دست‌به‌گریبان بوده و در تلاش برای رفع این مسئله و یافتن پاسخی مناسب و معقول برای آن بوده‌اند (اهری و حبیبی، ۱۳۶۷، ص. ۸۹). در نزد هر یک از افراد جامعه بعد از خوراک و پوشاک، مسکن سومین نیاز اساسی و پاسخگوی یکی از نیازهای حیاتی است، که بازتاب زیادی بر دیگر ابعاد حیات اجتماعی دارد (زنجانی، ۱۳۷۱، ص. ۱۵۵). مسکن چیزی بیش از یک سرپناه فیزیکی صرف است و تمامی خدمات و تسهیلات عمومی لازم را برای بهتر زیستن انسان شامل می‌شود (صیدایی، کیانی سلمی و سلطانی، ۱۳۸۹، ص. ۵۱). از نظر اقتصادی مسکن جزء دارایی یک فرد و در ایران کالایی پرسود و مطمئن محسوب می‌شود. از نظر اجتماعی نیز مسکن اهمیت زیادی دارد. تأمین امنیت، آرامش و آسایش برای زندگی ساکنان از ابعاد اجتماعی مسکن است. بخشی از کارکردهای مسکن جنبه روانی دارند. جوامع انسانی امروزه سرشار از استرس‌های روانی است و مسکن می‌تواند مأمّن و محل آرامش او باشد (بدری و موسوی، ۱۳۸۹، ص. ۴).

از ابتدایی‌ترین، اصیل‌ترین و درعین‌حال پیچیده‌ترین صورت مسکن انسان‌های یکجانشین، مسکن روستایی است؛ زیرا نه تنها نقش استراحتگاهی، بلکه نقش‌های تولیدی، معیشتی، انباری و کارگاهی را در روستاها بر عهده دارند (حسینی ابری، ۱۳۸۰، ص. ۲۸). به عبارت دیگر مسکن در روستا، نه فقط محل زندگی، بلکه از لحاظ تولید و اشتغال برای خانواده‌های روستایی حائز اهمیت است و خصلت‌های تولیدی و معیشتی مسکن، قسمتی از ساختار مسکن روستایی است که به آن وجه اقتصادی می‌دهد (عناپستانی، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۲). مهم‌ترین دلایل توجه به مسئله مسکن روستایی عبارت‌اند از: تحول شرایط زندگی روستایی و الزام تطابق با شرایط حال، ضرورت کاهش خسارت بلایای طبیعی، سیل، زلزله، طوفان و رانش زمین، الزامات بهسازی و مقاوم‌سازی مسکن وابسته، فراهم آوردن محیط مناسب زندگی و توازن شهر و روستا و به وجود آوردن شرایط مناسب زندگی برای جوانان و افراد تحصیل‌کرده، رعایت ضوابط فنی در ساخت‌وساز و غیره.

بررسی نابرابری‌های مناطق روستایی در زمینه شاخص‌های مسکن، می‌تواند باعث شناسایی مناطق برخوردار و محروم شده

و به برنامه‌ریزان جهت بهبودبخشی برنامه‌ریزی مسکن یاری رساند. از طرف دیگر این امر می‌تواند معیاری کلیدی جهت تخصیص منابع و اعتبارات و نیز یارانه‌های مسکن روستایی باشد. بر این اساس پژوهش حاضر در راستای دستیابی به اهداف، پاسخگویی به سؤالات و بررسی فرضیات زیر تدوین شده است:

- تحلیل وضعیت مناطق روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان غربی بر اساس شاخص‌های مسکن.

- تهیه و ترسیم نقشه‌های وضعیت شاخص‌های مسکن در مناطق روستایی استان آذربایجان غربی.

وضعیت برخورداری مناطق روستایی استان آذربایجان غربی در زمینه شاخص‌های مسکن چگونه است؟

آیا بین سطح برخورداری مناطق روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان غربی در شاخص‌های مسکن و جمعیت آن‌ها رابطه معناداری دارد؟

آیا بین سطح برخورداری مناطق روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان غربی در شاخص‌های مسکن و فاصله آن‌ها از مرکز استان (ارومیه) رابطه معناداری دارد؟

به نظر می‌رسد وضعیت مناطق روستایی استان آذربایجان غربی در زمینه شاخص‌های مسکن نامتعادل است و اختلاف زیادی در این زمینه دیده می‌شود.

به نظر می‌رسد بین سطح برخورداری مناطق روستایی استان آذربایجان غربی در شاخص‌های مسکن و جمعیت آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین سطح برخورداری مناطق روستایی استان آذربایجان غربی در شاخص‌های مسکن و فاصله آن‌ها از مرکز استان (ارومیه) رابطه معناداری وجود دارد.

۲.۱. پیشینه پژوهش

ستارزاده (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی شاخص‌های جمعیتی مسکن ایران در سال ۱۳۸۵» به این نتیجه رسیده که در کشور مشکلات قابل‌توجه مسکن، تراکم خانوارها در واحدهای مسکونی، وجود واحدهای مسکونی دارای کمتر از یک اتاق، عدم رعایت استاندارد مطلوب برای هر اتاق یک نفر، وجود واحدهای مسکونی پرتراکم، وجود واحدهای مسکونی فرسوده و کم‌دوام، از کمبودهای واحدهای مسکونی است که می‌بایست سیاست‌های توسعه مسکن حول محور این‌گونه شاخص‌ها به اجرا درآید.

صیدایی (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل فضایی مسکن روستایی در استان کهگیلویه و بویراحمد» با استفاده از آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ و به‌کارگیری روش آماری تحلیل خوشه‌ای، شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد را در سه خوشه سطح‌بندی کرده است. نتیجه پژوهش وی نشان می‌دهد که بخش مرکزی بویراحمد به‌تنهایی در یک سطح، بخش‌های پاتاوه، مرکزی گچساران و مرکزی کهگیلویه در سطح دیگر و بخش‌های کبگیان، مرکزی بهمئی، لنده، مرکزی دنا، سرفاریاب، چرام، باشت، لوداب، دیشموک، چاروسا، بهمئی گرمسیری و مارگون در سطح همگن بعدی قرار گرفته‌اند.

سرتیپی‌پور (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت عنوان «ارزیابی و تحلیل مسکن روستایی استان سیستان و بلوچستان و پیشنهاد جهت‌گیری آتی»، با اتکا به بررسی داده‌های طرح نمونه‌گیری ویژگی‌های مسکن روستایی سال ۸۲ ابتدا وضعیت مسکن روستایی استان را در ۴ زمینه شامل شرایط استحکام (امنیت)، برخورداری (آسایش)، اقتصادی معیشتی (کارکرد معیشتی و نقش اقتصادی) و زیست‌محیطی (هماهنگی با محیط و آسیب‌های زیست‌ناشی از مسکن) مورد ارزیابی قرار داده و سپس به‌منظور سیاست‌گذاری در جهت رفع کاستی‌ها پیشنهادهایی متناسب با شرایطی که استان از آن برخوردار است ارائه نموده است.

بدری و موسوی (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت عنوان «تحلیلی بر روند تحولات در برخی ویژگی‌های مسکن روستایی در ایران»، به مطالعه تحولات مسکن روستایی ایران از نظر کمی و کیفی در دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ پرداخته است. نتایج این بررسی نشان داده که استفاده تک خانواری از مسکن و مصالح ساختمانی مرغوب‌تر در ساخت مسکن و استفاده از اسکلت فلزی و بتونی در واحدهای مسکونی در دهه‌های اخیر رو به افزایش بوده است.

بهرامی (۱۳۹۰)، در پژوهشی تحت عنوان «تحلیلی بر وضعیت مسکن روستایی در استان کرمانشاه»، با استفاده از ۱۰ متغیر به بررسی وضعیت کمی و کیفی شاخص‌های مسکن روستایی استان کرمانشاه با روش توصیفی-تحلیلی پرداخته است. نتایج پژوهش وی نشان داد که از نظر سازه ۴۳/۸ درصد مسکن روستایی استان کرمانشاه بادوام، ۳۳/۹ درصد کم‌دوام و ۲۲ درصد دیگر بی‌دوام هستند. از نظر پهنه لرزه‌خیزی، بخش شرقی استان دارای توان

لرزه‌ای با خطر خیلی زیاد بوده که بیش از ۲۴ درصد مساحت و ۱۹ درصد جمعیت در آنجا ساکن هستند. بخش میانی و قسمت کوچکی از بخش غربی که معادل ۷۱ درصد مساحت استان است در موقعیت خطر زیاد قرار دارد که بیش از ۷۵ درصد جمعیت در آن ساکن هستند. تنها ۵ درصد از مساحت استان کرمانشاه دارای توان لرزه‌ای خطر متوسط قرار دارد.

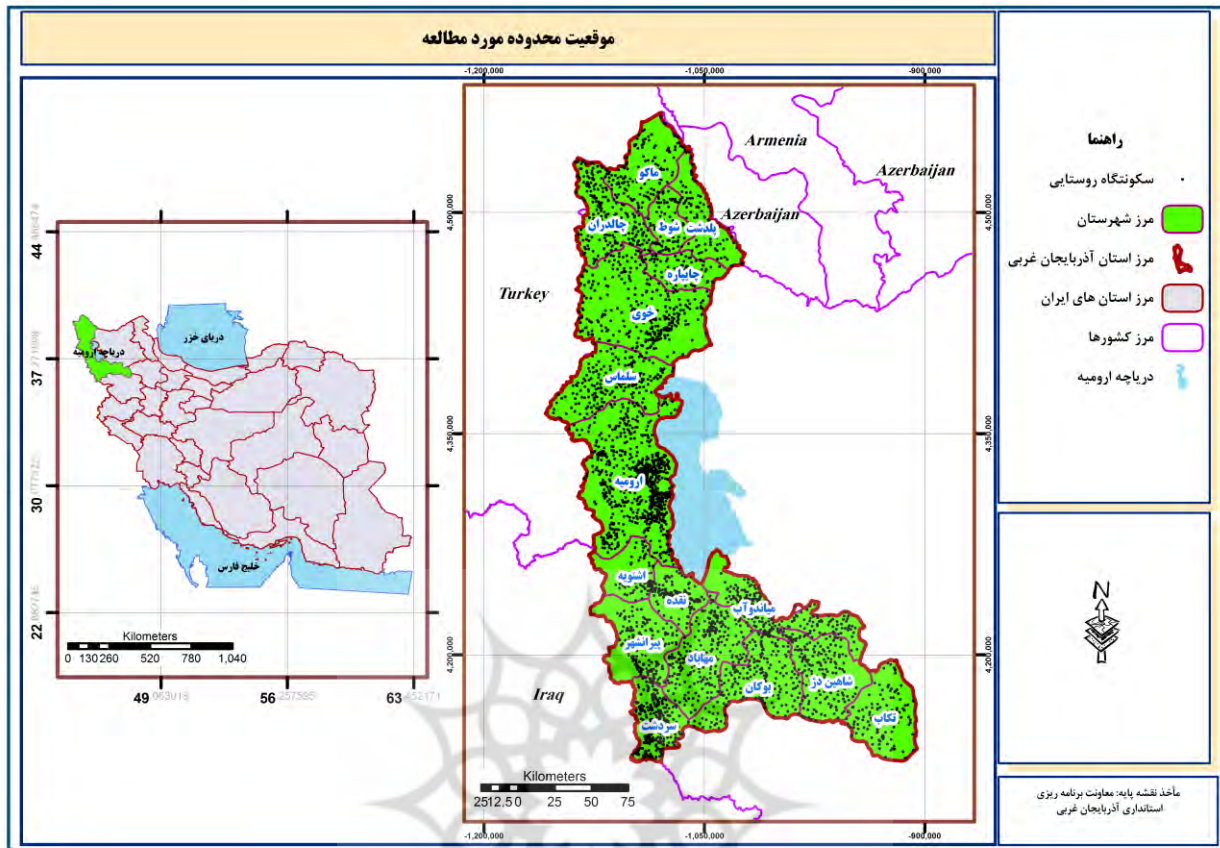
قادرمرزی، جمینی، جمشیدی و چراغی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «تحلیل نابرابری فضایی شاخص‌های مسکن در مناطق روستایی استان کرمانشاه»، به این نتیجه رسیدند که مناطق روستایی شهرستان‌های کنگاور و هرسین در بالاترین سطح و مناطق روستایی شهرستان‌های دالاهو، ثلاث و باباجانی، اسلام‌آباد غرب، پلوه، روانسر، قصر شیرین، گیلان‌غرب و جوان‌رود در پایین‌ترین سطح از حیث برخورداری از شاخص‌های مسکن قرار دارند.

جمشیدی، جمینی، صیدایی و نجفی (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان تحلیل شاخص‌های مسکن روستایی استان ایلام و سطح‌بندی آن‌ها با استفاده از تحلیل عاملی و خوشه‌ای، به بررسی و سطح‌بندی شاخص‌های مسکن روستایی در استان ایلام پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که به لحاظ سطح برخورداری از شاخص‌های مسکن روستایی، مناطق روستایی شهرستان شیران و چرداول در بالاترین سطح و مناطق روستایی شهرستان‌های دهلران، دره‌شهر و آبدانان در پایین‌ترین سطح قرار دارند.

۲. روش‌شناسی تحقیق

۱.۲. قلمرو جغرافیایی تحقیق

استان آذربایجان غربی با وسعت ۳۷۴۱۲ کیلومتر مربع بین ۴۴ درجه و ۳ دقیقه تا ۴۷ درجه و ۲۴ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵ دقیقه تا ۳۹ درجه و ۴۶ دقیقه عرض شمالی، در شمال غرب ایران واقع شده است. این استان از شمال به جمهوری خودمختار نخجوان و کشور ترکیه و از شرق به استان آذربایجان شرقی و از جنوب به استان کردستان و از غرب به کشورهای ترکیه و عراق محدود می‌شود. بر اساس تقسیمات کشوری سال ۹۰ استان آذربایجان غربی دارای ۱۷ شهرستان، ۴۰ بخش، ۴۲ شهر، ۱۱۳ دهستان و ۴۵۳۱ آبادی دارای سکنه است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).



شکل ۱- نقشه موقعیت سیاسی استان آذربایجان غربی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳.

۳. مبانی نظری

یکی از اساسی‌ترین و حساس‌ترین بخش‌ها در برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی و اجتماعی، بخش مسکن است (حاتمی نژاد، سیف‌الدینی، میره، ۱۳۸۵، ص ۱۳۰). در گزارش نهایی کمیسیون برانت، مسکن به‌عنوان یکی از نیازهای کلیدی جهان در حال توسعه شناخته شد (هویت، ۱۹۹۸، ص. ۴۱۳). در اصل ۴۳ قانون اساسی تأمین نیازهای اساسی و از جمله مسکن به‌عنوان یکی از پایه‌های استقلال اقتصادی و ریشه‌کنی فقر در جامعه برشمرده شده است. همچنین در اصل ۳۱ قانون اساسی، برخورداری از مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده‌ی ایرانی برشمرده شده است. در راستای اجرای این قانون، دولت موظف به تأمین مسکن روستائیان و با اولویت‌دهی به مناطق محروم است (سرتیپی پور، ۱۳۸۴، ص. ۴۶). در تعریف مسکن آمده است: فضایی که بتواند زمینه لازم برای رشد فردی و جمعی هر یک از افراد خانوار را فراهم کند، به‌نحوی که آن‌ها بتوانند برحسب نیازهای روحی و روانی خود و نوع فعالیت موردنظر، حریم لازم را بیابند (صمیمی، علمی و هادی‌زاده، ۱۳۸۶، ص. ۵۲). در دومین اجلاس اسکان بشر (۱۹۹۶) که در استانبول برگزار شد

۲.۲. روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش از نوع تحلیلی، توصیفی و علی است. داده‌های موردنیاز پژوهش از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن و مستندات مرکز آمار کشور سال ۱۳۹۰ تهیه شده است. به‌منظور تحلیل وضعیت نابرابری شاخص‌های مسکن در مناطق روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان غربی، ۳۸ شاخص مسکن در ۴ گروه زیر بنایی و رفاهی، استحکام سازه، امکانات و تسهیلات و بهداشتی دسته‌بندی شدند. جهت وزن دهی به شاخص‌ها از ضریب آنتروپی شانون و برای رتبه‌بندی و سطح‌بندی مناطق روستایی از تکنیک‌های تاپسیس و تحلیل خوشه‌ای استفاده گردیده است. برای ارائه تصویری بهتر از وضعیت شهرستان‌های استان در هر یک از شاخص‌های اصلی، نتایج رتبه‌بندی و سطح‌بندی تکنیک‌های مذکور با بهره‌گیری از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) بر روی نقشه نمایش داده شده است. رابطه بین جمعیت و فاصله با سطح برخورداری نیز از طریق نرم‌افزار SPSS و آزمون اسپیرمن مورد بررسی قرار گرفته است.

مسکن مناسب چنین تعریف شده است: سرپناه مناسب تنها به معنای وجود یک سقف بالای سر هر شخص نیست؛ سرپناه مناسب یعنی آسایش مناسب فضای مناسب دسترسی فیزیکی و امنیت مناسب، امنیت مالکیت، پایداری و دوام سازه‌ای، روشنایی، تهویه و سیستم گرمایی مناسب، زیرساخت‌های اولیه مناسب از قبیل آبرسانی، بهداشت و آموزش، دفع زباله، کیفیت مناسب زیست‌محیطی، عوامل بهداشتی مناسب و قابل دسترسی از نظر کار و تسهیلات اولیه است که این موارد باید با توجه به استطاعت مردم تأمین شود (پورمحمدی، ۱۳۸۲، ص. ۱).

متخصصین علوم انسانی با رویکردهای متفاوتی به مسکن و ابعاد مختلف کارکردی آن نگریسته‌اند. به عنوان مثال مسکن از دیدگاه اقتصادی نوعی «کالا و سرمایه»، از دیدگاه هنری نوعی «نماد»، از دیدگاه جامعه‌شناسانه «نهاد»، از دیدگاه مهندسی و معماری «بنا» یا ساختمان، از دیدگاه شهرسازی «فضا» و از دیدگاه انسان‌شناختی نوعی «فرهنگ» است که تمام ابعاد را در بردارد (فاضلی، ۱۳۸۶، ص. ۶۳). جامعه‌شناسان معتقدند که مسکن به عنوان سرپناه و مرکز ثبات و همبستگی خانواده‌ها است. اقتصاددانان بر این باورند مسکن روستایی علاوه بر محل نشیمن افراد، محل تولید فراورده‌های دامی، زراعی، صنایع دستی و از همه مهم‌تر به عنوان یک کالای سرمایه‌ای مطرح است. جغرافیدانان ساخت و بافت مسکن را متأثر از روابط متقابل انسان با طبیعت که در آن همزیستی و تعامل انسان با دام و طیور دیده می‌شود می‌دانند (بهرامی، ۱۳۹۰، ص. ۹۷).

تحلیل مسائل کمی و کیفی مسکن با استفاده از ابزاری صورت می‌گیرد که به صورت متغیرهایی به نام شاخص‌های مسکن مطرح بوده و بیانگر ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی مسکن هستند (عزیزی، ۱۳۸۴، ص. ۲۶). با استفاده از این شاخص‌ها می‌توان وضعیت حاکم بر نظام مسکن را ارزیابی نمود و مقیاس واقعیات و رخدادهایی که در این زمینه وجود دارند از نظر عینی بررسی کرد. به طور کلی شاخص‌های مسکن به چهار گروه عمده تقسیم می‌شوند:

شاخص‌های اجتماعی: نوع واحدهای مسکونی (آپارتمانی

و معمولی)، میزان برخورداری واحدهای مسکونی از اسناد مالکیت؛ مدت زمان بهره‌برداری از واحدهای مسکونی؛ نسبت واحدهای مسکونی خالی؛ میزان برخورداری واحدهای مسکونی از فضاهای معیشتی و فضاهای مشترک زیستی و معیشتی؛ نوع سوخت مصرفی برای پخت‌وپز؛ نوع سوخت مصرفی برای گرمایش؛ میزان برخورداری از امکانات خدماتی، بهداشتی و

درمانی، آموزشی و فرهنگی و خدماتی و بازرگانی، نحوه تصرف واحد مسکونی و تعداد خانوار در واحدهای مسکونی (ستارزاده، ۱۳۸۸، ص. ۶۱؛ سرتیپی‌پور، ۱۳۸۴، ص. ۴۶).

شاخص‌های اقتصادی: طول دوره ساخت واحدهای

مسکونی، متوسط قیمت احداث یک مترمربع بنای مسکونی، نحوه تأمین نیروی انسانی ماهر موردنیاز برای احداث مسکن و وجود نهادهای مالی برای تأمین مسکن (ستارزاده، ۱۳۸۸: ۶۱).

شاخص‌های کالبدی: بعد «کالبد» به عنوان تبلور فیزیکی

مسکن، عینی‌ترین و مادی‌ترین موضوع در ارزیابی‌ها، تحلیل‌ها و برنامه‌ریزی‌های مسکن است (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۹، ص. ۱۰۰) و چه‌بسا بسیاری از برنامه‌ریزی‌ها و تحلیل‌های مسکن صرفاً شامل همین بعد است (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۸، ص. ۵۱). شاخص‌های بعد کالبدی شامل سطح زیربنای واحدهای مسکونی، مساحت زمین واحد مسکونی؛ مساحت فضاهای زیستی و معیشتی، تعداد اتاق موجود در واحدهای مسکونی، دوام مصالح، عمر بنا و نسبت سطح اشغال و... است (ستارزاده، ۱۳۸۸، ص. ۶۱).

شاخص‌های جمعیتی: شاخص‌های اصلی جمعیتی مسکن

که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم بر فضای موردنیاز افراد و خدمات سکونتی مؤثر است را می‌توان در دو گروه جداگانه ولی در عین حال متصل باهم موردبررسی قرار داد. این دو عبارت‌اند از: الف) شاخص‌های کمی واحد مسکونی ب) شاخص‌های کیفی واحد مسکونی. شاخص‌های کمی عمدتاً به بیان انواع تراکم در واحد مسکونی و خصوصیات کیفی به بررسی مصالح ساخت بنا، مالکیت واحدهای مسکونی، قدمت و عمر ساختمان و تسهیلات موجود در واحد مسکونی می‌پردازد. خصوصیتی که یک واحد مسکونی را برای زیست خانوار و انجام فعل‌وانفعالات زندگی خانوادگی مطلوب می‌سازد، ویژگی‌های کیفی یک واحد است مانند بعد خانوار، رشد سالانه خانوار، تعداد نفر در اتاق و... نقش شاخص‌های جمعیتی مسکن نقش غیرقابل‌انکاری در تحلیل ساختار مسکن است (ستارزاده، ۱۳۸۸، ص. ۶۱؛ سرتیپی‌پور، ۱۳۸۴، ص. ۴۶).

۴. یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر برای تحلیل نابرابری‌ها و تعیین سطوح برخورداری شهرستان‌های استان آذربایجان غربی، ۳۸ شاخص مسکن مورد استفاده قرار گرفته که این شاخص‌ها در ۴ دسته زیربنایی و رفاهی، استحکام سازه، امکانات و تسهیلات و بهداشت مسکن روستایی در جدول شماره (۱) نشان داده شده است.

جدول ۱- شاخص‌های مورد مطالعه پژوهش

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳.

شاخص	زیر شاخص
۱- زیر بنایی	۱-۱- تراکم نفر در واحد مسکونی، ۲-۱- نسبت واحدهای مسکونی معمولی به کل خانوارهای روستایی، ۳-۱- نسبت واحدهای مسکونی دارای سه و چهار اتاقی به کل واحدهای مسکونی، ۴-۱- نسبت واحدهای مسکونی دارای پنج اتاقی و بیشتر به کل واحدهای مسکونی. ۵-۱- نسبت واحدهای مسکونی با مساحت کمتر از ۷۵ مترمربع به کل واحدهای مسکونی، ۶-۱- نسبت واحدهای مسکونی با مساحت ۷۶-۱۵۰ مترمربع به کل واحدهای مسکونی، ۷-۱- نسبت واحدهای مسکونی با مساحت ۱۵۱-۳۰۰ مترمربع به کل واحدهای مسکونی، ۸-۱- نسبت واحدهای مسکونی بیش از ۳۰۱ مترمربع،
۲- استحکام سازه	۱-۲- نسبت واحدهای مسکونی با اسکلت فلزی، ۲-۲- نسبت واحدهای مسکونی با بتن آرمه، ۳-۲- نسبت واحدهای مسکونی با آجر و آهن، ۴-۲- نسبت واحدهای مسکونی با خشت، گل و چوب، ۵-۲- نسبت واحدهای مسکونی ضد زلزله به کل واحدهای مسکونی، ۶-۲- نسبت واحدهای مسکونی قابل قبول، ۷-۲- نسبت واحدهای مسکونی مرمتی، ۸-۲- نسبت واحدهای مسکونی تخریبی.
۳- امکانات و تسهیلات	۱-۳- نسبت واحدهای مسکونی دارای حداقل آب لوله‌کشی و برق، ۲-۳- نسبت واحدهای مسکونی دارای حداقل آب لوله‌کشی، برق و تلفن ثابت، ۳-۳- نسبت واحدهای مسکونی دارای گاز لوله‌کشی، ۴-۳- نسبت واحدهای مسکونی دارای آشپزخانه، ۵-۳- نسبت واحدهای مسکونی دارای حداقل آب لوله‌کشی، برق، تلفن ثابت و گاز لوله‌کشی، ۶-۳- نسبت واحدهای مسکونی دارای یک هال و پذیرایی و بیش‌تر، ۷-۳- نسبت واحدهای مسکونی فاقد هال و پذیرایی، ۸-۳- نسبت واحدهای مسکونی فاقد آشپزخانه.
۴- بهداشتی	۱-۴- نسبت واحدهای مسکونی دارای حداقل آب لوله‌کشی، حمام و توالت، ۲-۴- نسبت واحدهای مسکونی دارای حداقل آشپزخانه، حمام و توالت، ۳-۴- نسبت واحدهای مسکونی دارای حمام، ۴-۴- نسبت واحدهای مسکونی دارای توالت با شبکه عمومی فاضلاب، ۵-۴- نسبت واحدهای مسکونی دارای توالت با چاه جذبی، ۶-۴- نسبت واحدهای مسکونی دارای توالت با دفع در محیط اطراف، ۷-۴- نسبت واحدهای مسکونی فاقد توالت، ۸-۴- نسبت واحدهای مسکونی دارای آشپزخانه با شبکه عمومی فاضلاب، ۹-۴- نسبت واحدهای مسکونی دارای آشپزخانه با چاه جذبی، ۱۰-۴- نسبت واحدهای مسکونی دارای آشپزخانه با دفع فاضلاب در محیط اطراف، ۱۱-۴- نسبت واحدهای مسکونی دارای آشپزخانه فاقد فاضلاب، ۱۲-۴- نسبت واحدهای مسکونی دارای شبکه عمومی فاضلاب، ۱۳-۴- نسبت واحدهای مسکونی دارای فاضلاب با چاه جذبی، ۱۴-۴- نسبت واحدهای مسکونی با دفع فاضلاب در محیط اطراف.

۱.۴. سطح‌بندی شهرستان‌ها به تفکیک شاخص‌های اصلی

شاخص‌های زیربنایی

شاخص‌های زیربنایی مورد استفاده در این پژوهش که شامل

۸ شاخص در زمینه‌های تراکم نفر در واحدهای مسکونی (۱) شاخص، نسبت واحدهای مسکونی به خانوارها (۱ شاخص)، نسبت چند اتاقی بودن واحدهای مسکونی (۲ شاخص) و نسبت واحدهای مسکونی با مساحت‌های مختلف (۵ شاخص) است، جزء شاخص‌های کمی مسکن روستایی به حساب می‌آیند. نتایج رتبه‌بندی روش تاپسیس در زمینه شاخص‌های زیربنایی نشان می‌دهد که شهرستان‌های سردشت، مهاباد و ارومیه به ترتیب با کسب ۰/۸۹۸، ۰/۷۴۱ و ۰/۷۲۶ امتیاز، در رتبه‌های اول تا سوم

و شهرستان‌های چالدران، چایپاره و سلماس به ترتیب با کسب امتیازهای ۰/۱۵، ۰/۳۶۴ و ۰/۳۸۱ امتیاز در جایگاه آخر قرار گرفته‌اند (جدول شماره ۲). مقایسه شهرستان اول (سردشت) با شهرستان آخر (چالدران) اختلاف زیادی را در زمینه شاخص زیربنایی نشان می‌دهد که نشانه وضعیت بسیار نامناسب شهرستان چالدران در این زمینه است. این اختلاف در شهرستان‌های بعدی به صورت چشمگیری کاهش پیدا کرده است (چایپاره ۰/۳۶۴ و سلماس ۰/۳۸۱ امتیاز). وضعیت رتبه‌بندی سایر شهرستان‌های استان در شاخص زیربنایی در جدول شماره (۳) نشان داده شده است.

جدول ۲- رتبه شهرستان‌ها در شاخص‌های زیر بنایی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳.

شهرستان	ارومیه	اشنویه	پوکان	پلدشت	پیرشهر	تکاب	چالدران	چایپاره	خوی	سردشت	سلماس	شاهین‌دژ	شوط	ماکو	مهاباد	میندوآب	نقده
رتبه	۳	۱۳	۶	۱۴	۵	۸	۱۷	۱۶	۱۱	۱	۱۵	۹	۱۲	۱۰	۲	۴	۷
امتیاز	۰/۷۲۶	۰/۴۴۴	۰/۶۴۵	۰/۴۸۳	۰/۶۴۸	۰/۶۲۶	۰/۱۵	۰/۳۶۴	۰/۴۷۸	۰/۸۹۸	۰/۳۸۱	۰/۶۰۹	۰/۴۷۱	۰/۵۹۶	۰/۷۴۱	۰/۶۵۲	۰/۶۲۷

۴۱/۱۷ درصد در سطح متوسط و ۴۱/۱۷ درصد در سطح برخورداری پایین قرار گرفته‌اند

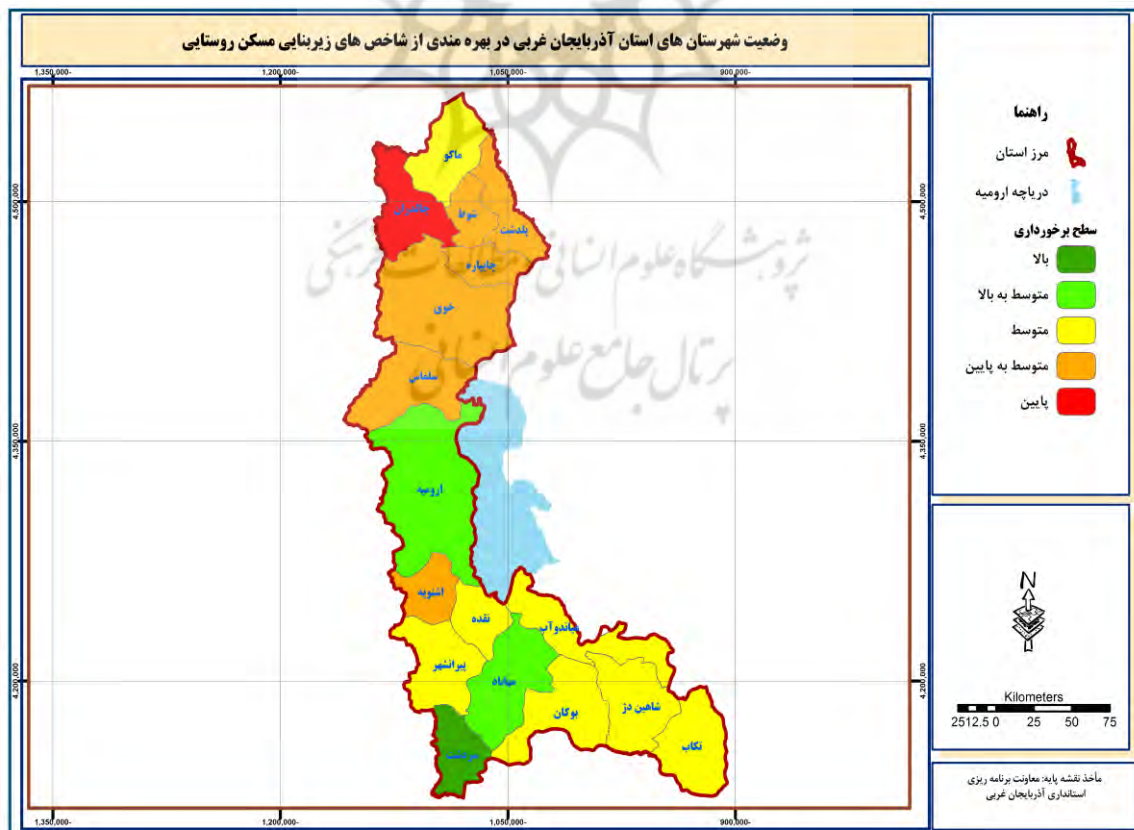
جدول ۳- سطح بندی شهرستان‌ها در شاخص‌های زیربنایی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳.

شاخص	خوشه	سطح	نام	تعداد	درصد
زیربنایی و رفاهی	یک	بالا	سردشت	۱	۵/۸۸
	دو	متوسط به بالا	مهاباد، ارومیه	۲	۱۱/۷۶
	سه	متوسط	میاندوآب، پیرانشهر	۷	۴۱/۱۷
	چهار	متوسط به پایین	خوی، شوط، اشنویه، پلدشت، سلماس، چابپاره	۶	۳۵/۲۹
	پنج	پایین	چالدران	۱	۵/۸۸

سطح برخورداری متوسط به پایین است. نقشه مذکور تصویر روشنی از عدم تعادل و نابرابری شهرستان‌های استان در زمینه بهره‌مندی از شاخص‌های زیربنایی مسکن روستایی است.

پس از رتبه‌بندی شهرستان‌ها و به دست آوردن امتیاز آن‌ها در شاخص‌های زیربنایی، به‌منظور روشن ساختن وضعیت شهرستان‌ها در شاخص‌های این گروه، نتایج این رتبه‌بندی وارد تحلیل خوشه‌ای شد و شهرستان‌های در ۵ خوشه سطح‌بندی شدند. همان‌طور که در جدول شماره (۳) ملاحظه می‌شود در خوشه اول شهرستان سردشت در سطح برخورداری بالا، در خوشه دوم شهرستان‌های مهاباد و ارومیه در سطح برخورداری متوسط به بالا، در خوشه سوم شهرستان‌های میاندوآب و پیرانشهر در سطح برخورداری متوسط، در خوشه چهارم شهرستان‌های خوی، شوط، اشنویه، پلدشت، سلماس، چابپاره در سطح برخورداری متوسط به پایین و در خوشه پنجم شهرستان چالدران در سطح توسعه پایین قرار گرفته است. به‌طور کلی ۱۷/۶۴ درصد شهرستان‌های استان در زمینه شاخص‌های زیربنایی در سطح برخورداری بالا و متوسط به بالا، نتایج سطح‌بندی شهرستان‌های استان در زمینه بهره‌مندی از شاخص‌های زیربنایی در نقشه شماره (۲) نشان داده شده که حاکی از قرار گرفتن اکثر شهرستان‌های جنوبی استان در سطح برخورداری متوسط و قرار گرفتن اکثر شهرستان‌های شمالی در



شکل ۲- نقشه سطح‌بندی مناطق روستایی استان آذربایجان غربی بر اساس شاخص‌های زیربنایی مسکن

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳.

شاخص‌های استحکام سازه

در زمینه استحکام سازه جمعاً ۸ شاخص مورد استفاده قرار گرفته‌اند که ۴ شاخص مربوط به اسکلت بنا و مصالح عمده به‌کاررفته در واحدهای مسکونی و ۴ شاخص هم در زمینه طبقه‌بندی واحدهای مسکونی بر اساس سال اتمام بنا است. نتایج رتبه‌بندی مدل تاپسیس در زمینه شاخص‌های استحکام سازه که در جدول شماره (۴) ارائه شده نشان می‌دهد که در زمینه شاخص‌های استحکام سازه بین شهرستان‌های استان تفاوت وجود دارد. شهرستان‌های ارومیه، سلماس و شوط با کسب ۰/۶۶۰، ۰/۶۳۴ و ۰/۵۶۹ امتیاز به ترتیب در رتبه‌های

اول تا سوم و شهرستان‌های تکاب، بوکان و چالدران به ترتیب با کسب ۰/۲۵۰، ۰/۳۹۱ و ۰/۳۹۶ در رتبه‌های هفدهم تا پانزدهم قرار گرفته‌اند. رتبه و امتیاز سایر شهرستان‌های در جدول (۴) قابل مشاهده است. همان‌طور که از نتایج این جدول مشخص است گرچه بین شهرستان‌ها در زمینه شاخص‌های استحکام سازه تفاوت وجود دارد ولی این تفاوت بین بسیاری از شهرستان‌ها نسبتاً ناچیز است و نوعی همگنی و نزدیکی بین شهرستان‌های استان در زمینه بهره‌مندی از شاخص‌های این بخش مشاهده می‌شود.

جدول ۴- رتبه شهرستان‌ها در شاخص‌های استحکام سازه

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳.

شهرستان	ارومیه	اشنویه	بوکان	پلدشت	پیرانشهر	تکاب	چالدران	چاپاره	خوی	سردشت	سلماس	شاهین‌دژ	شوط	ماکو	مهاباد	میاندوآب	نقده
امتیاز	۰/۶۶۰	۰/۵۴۱	۰/۳۹۱	۰/۴۴۷	۰/۵۰۸	۰/۲۵۰	۰/۳۹۶	۰/۴۵۶	۰/۵۴۲	۰/۴۱۴	۰/۶۳۴	۰/۳۹۶	۰/۵۶۹	۰/۵۴۸	۰/۵۶۵	۰/۵۱۰	۰/۵۵۲
رتبه	۱	۸	۱۶	۱۲	۱۰	۱۷	۱۵	۱۱	۷	۱۳	۲	۱۴	۳	۶	۴	۹	۵

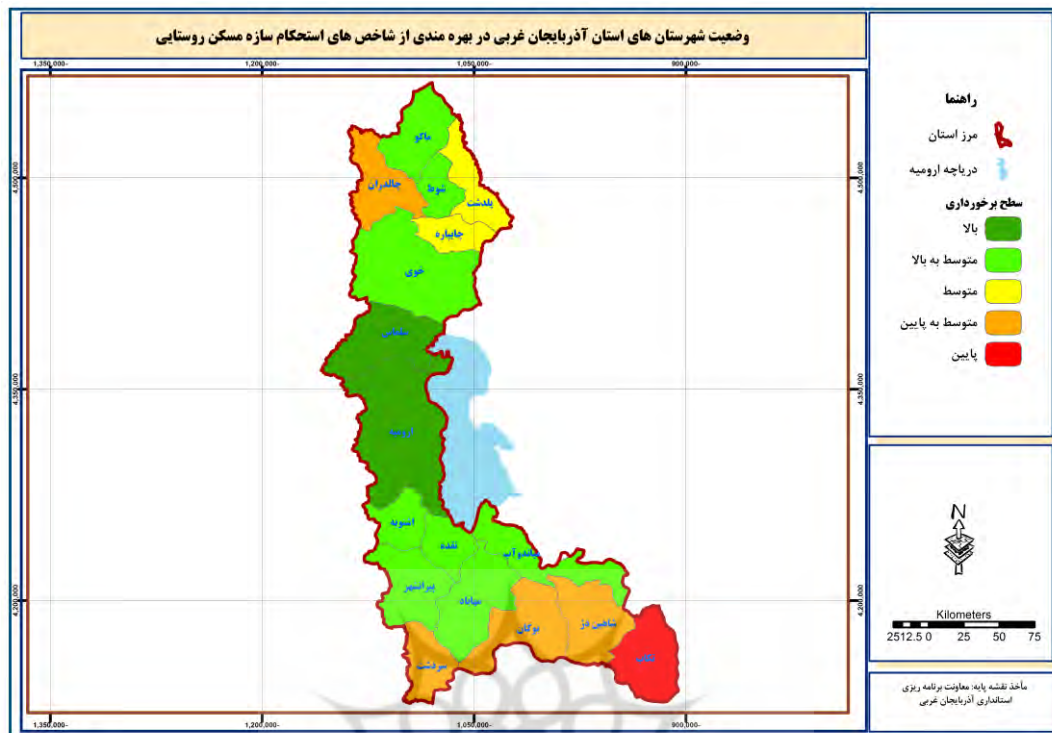
نتایج تحلیل خوشه‌ای که در جدول شماره (۵) ارائه شده به این شرح است: در خوشه یک شهرستان‌های ارومیه و سلماس قرار گرفته‌اند که به‌عنوان شهرستان‌های با سطح برخورداری بالا شناخته شده‌اند. در خوشه دو و سطح برخورداری متوسط به بالا، ۸ شهرستان شوط، مهاباد، نقده، ماکو، خوی، اشنویه، میاندوآب، پیرانشهر، در سطح متوسط و سطح برخورداری متوسط، ۲ شهرستان چاپاره و پلدشت، در خوشه چهار و سطح متوسط به پایین، ۴ شهرستان سردشت، شاهین‌دژ، چالدران و بوکان و در خوشه پنج و سطح پایین شهرستان تکاب قرار

گرفته است. در مجموع ۵۸/۸۰ درصد از شهرستان‌های استان در سطوح بالا و متوسط به بالا، ۱۱/۷۶ درصد در سطح متوسط و ۲۹/۴۰ درصد از شهرستان در سطح پایین و متوسط به پایین واقع شده‌اند. نتایج این سطح‌بندی در نقشه شماره (۳) نیز نمایش داده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود وضعیت اکثریت شهرستان‌های استان در زمینه بهره‌مندی از شاخص‌های زیربنایی مسکن روستایی نسبتاً مناسب است و قریب به ۶۰ درصد شهرستان‌ها در سطوح بالا و متوسط به بالا قرار دارند.

جدول ۵- سطح‌بندی شهرستان‌ها در شاخص‌های استحکام سازه

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳.

شاخص	خوشه	سطح برخورداری	نام شهرستان	تعداد	درصد
زیربنایی	یک	بالا	ارومیه، سلماس	۲	۱۱/۷۶
	دو	متوسط به بالا	شوط، مهاباد، نقده، ماکو، خوی، اشنویه، میاندوآب، پیرانشهر	۸	۴۷/۰۵
	سه	متوسط	چاپاره، پلدشت	۲	۱۱/۷۶
	چهار	متوسط به پایین	سردشت، شاهین‌دژ، چالدران، بوکان	۴	۲۳/۵۲
	پنج	پایین	تکاب	۱	۵/۸۸



شکل ۳- نقشه سطح‌بندی مناطق روستایی استان آذربایجان غربی بر اساس شاخص‌های استحکام سازه مسکن مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳.

شاخص‌های امکانات و تسهیلات

ملاحظه می‌شود شهرستان پیرانشهر با کسب ۰/۷۴۰ امتیاز در رتبه اول و شهرستان ماکو با ۰/۲۴۵ امتیاز در رتبه هفدهم و آخر قرار گرفته‌اند. نقده و بوکان در رتبه‌های دوم و سوم و شهرستان‌های چالدران و سلماس به ترتیب در رتبه‌های شانزدهم و هفدهم واقع شده‌اند. نگاهی به امتیازات شهرستان‌ها در شاخص‌های این گروه نشان می‌دهد که به لحاظ برخورداری شهرستان در شاخص‌های این بخش تفاوت دیده می‌شود.

برای تعیین وضعیت برخورداری شهرستان‌های استان آذربایجان غربی از امکانات و تسهیلات مسکن روستایی، جمعاً ۸ شاخص در زمینه‌ی برخورداری مسکن خانوارهای روستایی از آب لوله‌کشی، برق و تلفن ثابت، گاز لوله‌کشی، هال و آشپزخانه مورد استفاده قرار گرفته که نتیجه رتبه‌بندی تکنیک تاپسیس در جدول شماره (۶) ارائه شده است. همان‌طور که

جدول ۶- رتبه شهرستان‌ها در شاخص‌های امکانات و تسهیلات

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳.

شهرستان	ارومیه	اشنویه	بوکان	پلدشت	پیرانشهر	تکاب	چالدران	چابهار	جوی	تردشت	سلماس	شاهین‌دژ	شوط	ماکو	مهاباد	میاندوآب	نقده
رتبه	۶	۹	۳	۱۴	۱	۱۰	۱۶	۱۲	۱۱	۸	۱۵	۷	۱۳	۱۷	۵	۴	۲
امتیاز	۰/۶۱۴	۰/۵۹۰	۰/۶۵۹	۰/۴۱۵	۰/۷۴۰	۰/۵۷۱	۰/۲۶۰	۰/۴۲۷	۰/۴۴۸	۰/۶۰۴	۰/۴۱۲	۰/۶۰۵	۰/۴۲۱	۰/۲۴۵	۰/۶۱۸	۰/۶۴۲	۰/۶۸۱

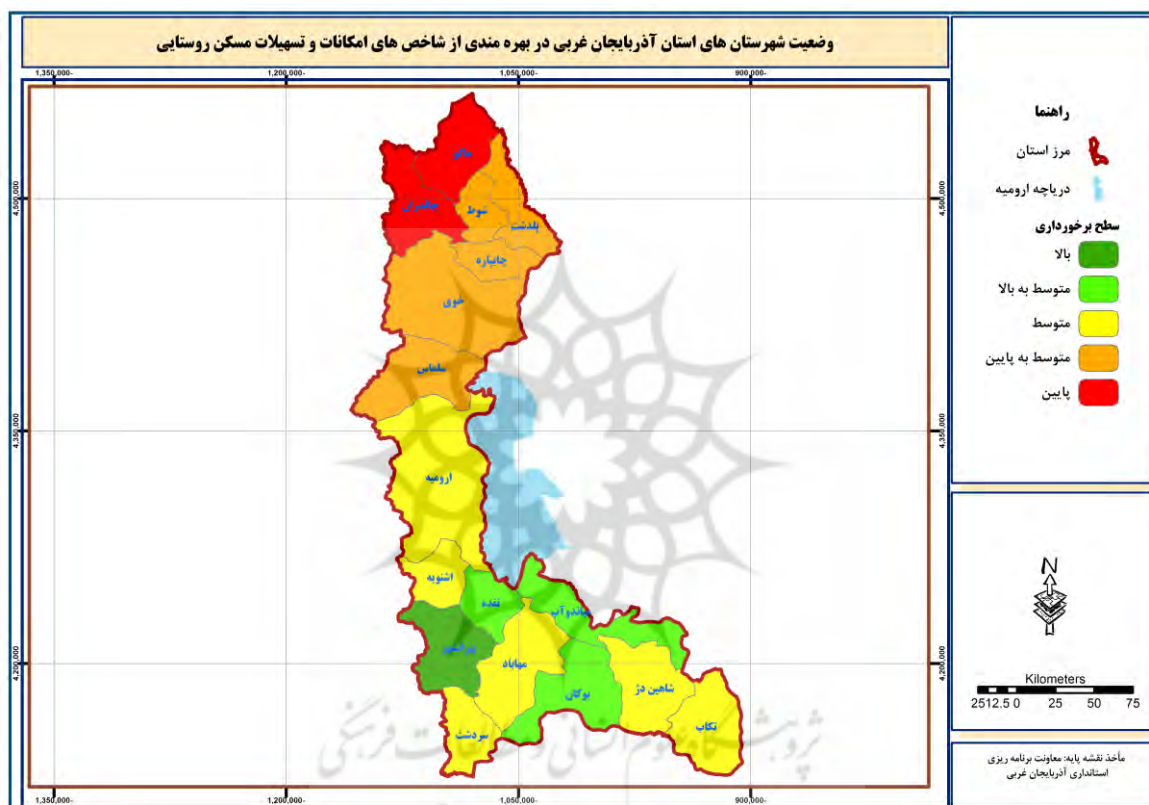
بالا، ۳۵/۲۹ درصد در سطح متوسط و ۴۱/۰۸ درصد شهرستان‌ها در سطوح متوسط به پایین و متوسط پایین واقع شده‌اند. وضعیت شهرستان‌های استان بر روی نقشه شماره (۴) نیز نمایش داده شده است. به لحاظ جغرافیایی اکثر شهرستان‌های شمالی استان در وضعیت نامناسب و شهرستان‌های جنوبی در وضعیت مناسب قرار دارند.

نتایج تکنیک تحلیل خوشه‌ای نیز این تفاوت نسبی شهرستان‌ها در زمینه برخورداری مسکن روستایی استان از شاخص‌های امکانات و تسهیلات را تأیید می‌نماید. همان‌طور که در جدول شماره (۷) مشاهده می‌شود ۲۳/۵۲ درصد شهرستان‌های استان در سطوح برخورداری بالا و متوسط به

جدول ۷- سطح‌بندی شهرستان‌ها در شاخص‌های امکانات و تسهیلات

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳.

شاخص	خوشه	سطح برخورداری	نام شهرستان	تعداد	درصد
زیربنایی	یک	بالا	پیرانشهر	۱	۵/۸۸
	دو	متوسط به بالا	نقده، بوکان، میاندوآب	۳	۱۷/۶۴
	سه	متوسط	مهاباد، ارومیه، شاهین‌دژ، سردشت، اشنویه، تکاب	۶	۳۵/۲۹
	چهار	متوسط به پایین	خوی، چاپپاره، شوط، پلدشت، سلماس	۵	۲۹/۴۱
	پنج	پایین	چالدران، ماکو	۲	۱۱/۷۶



شکل ۴- نقشه سطح‌بندی مناطق روستایی استان آذربایجان غربی بر اساس شاخص‌های امکانات و تسهیلات مسکن

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳.

شاخص‌های بهداشتی

برای تعیین وضعیت شهرستان‌های استان در زمینه برخورداری از بهداشت مسکن روستایی، ۱۴ شاخص شامل حمام، توالت و نحوه دفع فاضلاب‌ها مورد استفاده قرار گرفت. براساس رتبه‌بندی تکنیک تاپسیس، شهرستان‌های ارومیه، خوی و سلماس به ترتیب با ۰/۹۲۵، ۰/۷۵۳ و ۰/۶۶۱ امتیاز در رتبه‌های اول تا سوم قرار گرفته و بهترین وضعیت را در زمینه برخورداری از شاخص‌های بهداشت مسکن روستایی به خود اختصاص دادند. در طرف دیگر شهرستان‌های سردشت، چالدران و ماکو نیز به ترتیب با امتیازهای هفدهم تا پانزدهم در

آخر رتبه‌بندی تاپسیس واقع شده و بدترین وضعیت در زمینه بهره‌مندی از شاخص‌های بهداشت مسکن روستایی به این شهرستان‌ها تعلق گرفته است (جدول شماره ۸). نتایج تکنیک تحلیل خوشه‌ای که در جدول شماره (۹) ارائه شده، نشان‌دهنده وضعیت نامناسب اکثر شهرستان‌ها در شاخص‌های بهداشت مسکن روستایی است. همان‌طور که از نتایج این جدول مشاهده می‌شود ۲ شهرستان ارومیه و خوی که ۱۱/۷۶ درصد شهرستان‌های استان را تشکیل می‌دهند، در خوشه‌های یک و دو و سطوح برخورداری بالا و متوسط به بالا واقع شده‌اند. ۲ شهرستان سلماس و چاپپاره نیز در خوشه ۳ و سطح برخورداری متوسط قرار گرفته‌اند. ۱۳ شهرستان که مجموعاً

۲.۴. سطح‌بندی شهرستان‌های استان بر اساس شاخص‌های

ترکیبی مسکن روستایی

پس از تعیین سطوح برخورداری شهرستان‌ها به تفکیک شاخص‌های اصلی و مقایسه و شناسایی وضعیت آن‌ها در هر یک از این شاخص‌ها، به منظور تشخیص جایگاه شهرستان‌ها در شاخص‌های مسکن روستایی و سطح‌بندی نهایی آن‌ها، کلیه شاخص‌ها به صورت ترکیبی وارد مدل‌های تاپسیس و خوشه‌ای شدند. جدول شماره (۱۰) نتیجه رتبه‌بندی شهرستان‌ها بر اساس مدل تاپسیس را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود رتبه‌های اول تا سوم به ترتیب با امتیازهای ۰/۷۶۷، ۰/۶۲۱ و ۰/۵۹۹ مربوط به شهرستان‌های ارومیه، خوی و میاندوآب است. شهرستان‌های چالدران، ماکو و سردشت نیز به ترتیب با امتیازهای ۰/۳۶۸، ۰/۴۴۰ و ۰/۴۹۶ در رتبه‌های هفدهم تا پانزدهم قرار گرفته‌اند. همان‌طور که از جدول شماره (۱۰) مشخص است امتیاز اکثر شهرستان‌های در شاخص‌های ترکیبی مسکن روستایی نسبتاً به یکدیگر نزدیک است و این نشان‌دهنده وضعیت همگن شهرستان‌ها در بهره‌مندی از شاخص‌های مسکن روستایی است. نتایج تحلیل خوشه‌ای که در جدول شماره (۱۱) آورده شده، این همگنی را تأیید

می‌نماید. به طوری که: شهرستان ارومیه در خوشه یک و سطح برخورداری بالا و ۸ شهرستان خوی، میاندوآب، نقده، پیرانشهر، بوکان، سلماس، مهاباد و چاپپاره که جمعاً ۴۷/۰۷ درصد شهرستان‌ها را شامل می‌شود در خوشه دو و سطوح برخورداری متوسط رو به بالا قرار گرفته‌اند. ۶ شهرستان شوط، اشنویه، شاهیندژ، تکاب، پلدشت و سردشت که شامل ۳۵/۲۹ درصد از شهرستان‌های استان است، در خوشه سه و سطح برخورداری متوسط و ۲ شهرستان ماکو و چالدران نیز در خوشه‌های چهار و پنج و سطوح برخورداری متوسط رو به پایین واقع شده‌اند. نتیجه سطح‌بندی این جدول نشان می‌دهد که بیش از نیمی از شهرستان‌های استان آذربایجان غربی در زمینه بهره‌مندی از شاخص‌های مسکن روستایی در وضعیت مناسبی قرار دارند و مابقی شهرستان در وضعیت متوسط و متوسط به پایین واقع شده‌اند. در نقشه شماره (۶) پراکنش جغرافیایی سطح‌بندی شهرستان‌ها نمایش داده شده است. همان‌طور که مشخص است به جز تعدادی از شهرستان‌های شمالی و جنوبی استان، وضعیت بقیه شهرستان در شاخص‌های مسکن روستایی مناسب است.

جدول ۱۰- رتبه شهرستان‌ها در شاخص‌های مسکن روستایی

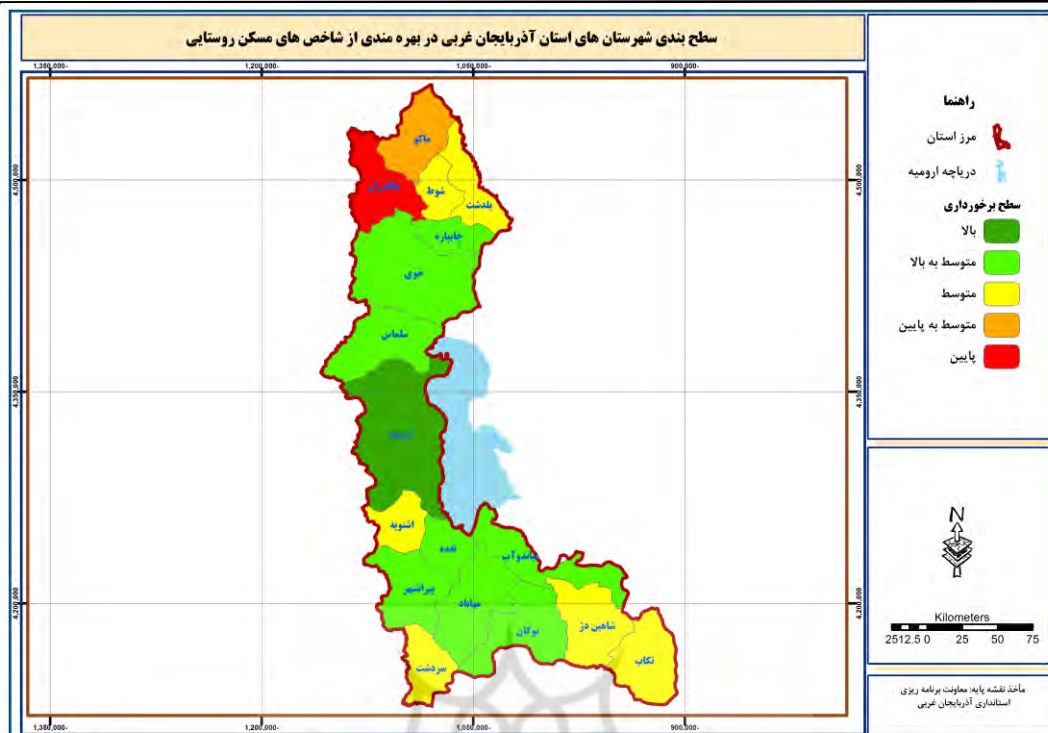
مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳.

شهرستان	ارومیه	اشنویه	بوکان	پلدشت	پیرانشهر	تکاب	چالدران	چاپپاره	خوی	سردشت	سلماس	شاهین‌دژ	شوط	ماکو	مهاباد	میاندوآب	نقده
رتبه	۱	۱۱	۶	۱۴	۵	۱۳	۱۷	۹	۲	۱۵	۷	۱۲	۱۰	۱۶	۸	۳	۴
امتیاز	۰/۷۶۷	۰/۵۳۳	۰/۵۷۱	۰/۴۹۷	۰/۵۷۹	۰/۵۰۸	۰/۳۶۸	۰/۵۵۹	۰/۶۲۱	۰/۴۹۶	۰/۵۷۱	۰/۵۲۴	۰/۵۴۲	۰/۴۴۰	۰/۵۶۵	۰/۵۹۹	۰/۵۹۰

جدول ۱۱- سطح‌بندی شهرستان‌ها در شاخص‌های ترکیبی مسکن روستایی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳.

شاخص	خوشه	سطح برخورداری	نام شهرستان	تعداد	درصد
زیربنایی و رفاهی، استحکام سازه، امکانات و تسهیلات، بهداشتی	یک	بالا	ارومیه	۱	۵/۸۸
	دو	متوسط رو به بالا	خوی، میاندوآب، نقده، پیرانشهر، بوکان، سلماس، مهاباد، چاپپاره	۸	۴۷/۰۵
	سه	متوسط	شوط، اشنویه، شاهیندژ، تکاب، پلدشت، سردشت	۶	۳۵/۲۹
بهداشتی	چهار	متوسط رو به پایین	ماکو	۱	۵/۸۸
	پنج	پایین	چالدران	۱	۵/۸۸



شکل ۶- نقشه سطح بندی مناطق روستایی استان آذربایجان غربی بر اساس شاخص های مسکن روستایی
 مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳.

۳.۴. بررسی فرضیات پژوهش

فرضیه اول: به نظر می‌رسد وضعیت مناطق روستایی استان آذربایجان غربی در زمینه شاخص‌های مسکن نامتعادل است و اختلاف زیادی در این زمینه دیده می‌شود.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اختلاف و تفاوت زیادی بین مناطق روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان غربی به تفکیک شاخص‌های زیربنایی و رفاهی، استحکام سازه، امکانات و تسهیلات و بهداشت مسکن روستایی دیده می‌شود. یافته‌های ترکیبی شاخص‌ها نیز حاکی از تفاوت نسبتاً زیاد شهرستان‌ها در زمینه برخورداری از شاخص‌های مسکن روستایی است. گرچه این نابرابری در شاخص‌های ترکیبی مسکن روستایی کم‌تر و همگنی بیشتری در بهره‌مندی از شاخص‌های ترکیبی مسکن روستایی در بین شهرستان‌ها دیده می‌شود؛ ولی بیش از نیمی از شهرستان‌های استان آذربایجان غربی در زمینه بهره‌مندی از شاخص‌های مسکن روستایی در وضعیت متوسط به پایین قرار دارند که نشان‌دهنده تفاوت و اختلاف شهرستان‌ها در این زمینه است؛ بنابراین فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین سطح برخورداری مناطق روستایی استان آذربایجان غربی در شاخص‌های مسکن و جمعیت آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

برای بررسی رابطه بین جمعیت شهرستان‌ها و رتبه برخورداری از آزمون اسپیرمن استفاده شد که نتیجه آن در جدول شماره (۱۲) آورده شده است. نتیجه این آزمون نشان داد که به لحاظ آماری بین رتبه برخورداری شهرستان‌ها و جمعیت آن‌ها همبستگی بالایی وجود دارد و عمدتاً شهرستان‌های برخوردار آن‌هایی هستند که جمعیت بیشتری نیز دارند ($0/718 =$ ضریب همبستگی و $0/001 =$ سطح معناداری)؛ بنابراین فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۱۲- نتایج همبستگی بین جمعیت و رتبه برخورداری

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

محاسبات همبستگی اسپیرمن				
جمعیت	رتبه	سطح	حجم	جمعیت
۱	۰/۷۱۸	۰/۰۰۱	۱۷	جمعیت
۱	۰/۷۱۸	۰/۰۰۱	۱۷	رتبه

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین سطح برخورداری مناطق روستایی استان آذربایجان غربی در شاخص‌های مسکن و فاصله آن‌ها از مرکز استان (ارومیه) رابطه معناداری وجود دارد.

استحکام سازه است. در زمینه‌ی شاخص‌های امکانات و تسهیلات مسکن روستایی نتایج نشان داد که به لحاظ برخورداری شهرستان‌ها در شاخص‌های این بخش تفاوت دیده می‌شود. نتایج تکنیک تحلیل خوشه‌ای نیز این تفاوت نسبی شهرستان‌ها در زمینه برخورداری مسکن روستایی استان از شاخص‌های امکانات و تسهیلات را تأیید نمود. در شاخص‌های بهداشت مسکن روستایی نتایج حاکی از آن بود که اکثر شهرستان‌ها وضعیت مناسبی ندارند. به طوری که ۱۳ شهرستان که مجموعاً ۷۶/۴۶ درصد شهرستان‌های استان را شامل می‌شود در خوشه‌های چهار و پنج و سطوح برخورداری پایین و بسیار پایین واقع شدند که حاکی از شکاف بسیار زیاد شهرستان‌ها به لحاظ برخورداری از شاخص‌های بهداشت مسکن روستایی است. این نابرابری و شکاف در مقایسه با شاخص‌های سایر بخش‌ها، نسبتاً بیشتر و چشم‌گیرتر است.

نتیجه ترکیبی شاخص‌ها نیز حاکی از نزدیک بودن امتیاز شهرستان‌ها و همگن بودن شهرستان‌ها در بهره‌مندی از شاخص‌های مسکن روستایی است. به طوری که بر اساس نتایج تحلیل خوشه‌ای، بیش از نیمی از شهرستان‌های استان آذربایجان غربی در زمینه بهره‌مندی از شاخص‌های مسکن روستایی در وضعیت مناسبی قرار دارند و مابقی شهرستان‌ها در وضعیت متوسط و متوسط به پایین واقع شده‌اند.

نتایج بررسی رابطه بین جمعیت و رتبه برخورداری شهرستان‌ها از شاخص‌های مسکن روستایی نشان داد که بین این دو عامل همبستگی بالایی وجود دارد و عمدتاً شهرستان‌های برخوردار آن‌هایی هستند که جمعیت بیشتری نیز دارند.

نتیجه بررسی عامل فاصله از مرکز استان و رتبه برخورداری شهرستان‌ها نیز نشان داد که همبستگی بالایی بین این دو عامل دیده می‌شود و شهرستان‌هایی که به مرکز استان نزدیک‌ترند برخوردارترند و اکثر شهرستان‌های کم‌تر برخوردار فاصله بیشتری از شهر ارومیه دارند.

گرچه توسعه مسکن روستایی در یک منطقه می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی باشد ولی باوجود همبستگی بالا بین عامل جمعیت و فاصله با سطح برخورداری شهرستان‌ها از شاخص‌های مسکن روستایی، به نظر می‌رسد سیاست‌های توسعه مسکن در این منطقه، از یک طرف بیشتر تحت تأثیر عامل جمعیت بوده که به‌عنوان مبنای سرمایه‌گذاری قرار گرفته است؛ و از طرف دیگر انزوای جغرافیایی سکونتگاه‌ها و دسترسی

نتایج آزمون اسپیرمن (جدول شماره ۱۳) برای بررسی رابطه بین فاصله از شهر ارومیه به‌عنوان مرکز استان و رتبه برخورداری شهرستان‌ها از همبستگی بالایی در این زمینه حکایت دارد و شهرستان‌هایی که به مرکز استان نزدیک‌ترند برخوردارترند و اکثر شهرستان‌های کم‌تر برخوردار، فاصله بیشتری از شهر ارومیه دارند (۰/۷۴۵ = ضریب همبستگی و ۰/۰۰۱ = سطح معناداری)؛ بنابراین فرضیه سوم این پژوهش نیز تأیید می‌شود.

جدول ۱۳- نتایج همبستگی بین فاصله از مرکز استان و رتبه

برخورداری

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

محاسبات همبستگی اسپیرمن				
فاصله از	رتبه	سطح	حجم	فاصله از
۱	۰/۷۴۵	۰/۰۰۱	۱۷	فاصله از
۰/۷۴۵	۱	۰/۰۰۱	۱۷	رتبه

۵. بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش برای تعیین و تحلیل سطوح برخورداری شهرستان‌های استان آذربایجان غربی در زمینه بهره‌مندی از شاخص‌های مسکن روستایی با توجه به داده‌های در دسترس سرشماری ۱۳۹۰ سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۳۸ شاخص در چهار گروه زیربنایی و رفاهی، استحکام سازه، امکانات و تسهیلات و بهداشتی انتخاب و با مدل‌های تاپسیس و تحلیل خوشه‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. بررسی وضعیت شهرستان‌ها به تفکیک شاخص‌ها نشان داد که در شاخص‌های زیربنایی شهرستان اول (سردشت) با شهرستان آخر (چالدران) اختلاف زیادی را نشان می‌دهد، ولی این اختلاف در شهرستان‌های بعدی به‌صورت چشمگیری کاهش پیدا کرده است. نتایج تحلیل خوشه‌ای نیز نشان داد که وضعیت برخورداری شهرستان‌ها در شاخص‌های زیربنایی چندان مناسب نیست و بیش از ۸۰ درصد شهرستان‌های استان در شاخص‌های این گروه در سطح متوسط و متوسط به پایین قرار دارند. در زمینه‌ی شاخص‌های استحکام سازه نتایج نشان داد که تفاوت بین بسیاری از شهرستان‌ها نسبتاً ناچیز است و نوعی همگنی و نزدیکی بین شهرستان‌های استان در زمینه بهره‌مندی از شاخص‌های این بخش مشاهده می‌شود. با توجه به این همگنی، نزدیک به ۶۰ درصد شهرستان‌ها به لحاظ برخورداری، در سطوح بالا و متوسط قرار گرفتند که نشانه مناسب بودن وضعیت شهرستان‌های استان در شاخص‌های

به مراکز مهم از جمله شهر ارومیه نقش مهمی در توسعه‌یافتگی و عدم توسعه‌یافتگی مسکن این منطقه ایفا کرده است؛ بنابراین جهت برقراری تعادل منطقه‌ای و حرکت به سمت توسعه پایدار، لازم است که سیاست‌های توسعه مسکن نگاه ویژه‌ای به مناطق روستایی کم‌جمعیت و سکونتگاه‌های منزوی و حاشیه‌ای داشته

یادداشت‌ها

1- Hewitt

کتابنامه

۱. اهری، ز. و حبیبی، م. (۱۳۶۷). *مسکن حداقل*. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات وزارت مسکن و شهرسازی.
۲. بدری، ع. و موسوی، س. (۱۳۸۹). *تحلیلی بر روند تغییرات برخی ویژگی‌های مسکن روستایی در ایران*. مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافییدانان جهان اسلام، ایران (صص. ۱-۱۴)، ۲۷-۲۵ فروردین، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
۳. بهرامی، ر. (۱۳۹۰). *تحلیلی بر وضعیت مسکن روستایی در استان کرمانشاه*. *مجله مسکن و محیط روستا*، ۳۰ (۱۳۴)، ۹۵-۱۰۴.
۴. پورمحمدی، م. (۱۳۸۲). *برنامه‌ریزی مسکن*. تهران: انتشارات سمت.
۵. جمشیدی، ع.، جمینی، د.، صیدیایی، ا. و نجفی، م. (۱۳۹۲). *تحلیل شاخص‌های مسکن روستایی استان اسلام و سطح‌بندی آن‌ها با استفاده از تحلیل عاملی و خوشه‌ای*. *فصلنامه مسکن و محیط روستا*، ۳۲ (۱۴۳)، ۶۹-۸۸.
۶. حاتمی نژاد، ح.، سیف‌الدینی، ف.، و میره، م. (۱۳۸۵). *بررسی شاخص‌های مسکن غیررسمی در ایران نمونه موردی: محله شیخ آباد قم*. *مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۳۸ (۵۸)، ۱۲۹-۱۴۹.
۷. حسینی ابری، س. ح. (۱۳۸۰). *مدخلی بر جغرافیای روستایی ایران*. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
۸. زنجانی، ح. (۱۳۷۱). *جمعیت و توسعه*. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.
۹. ستارزاده، د. (۱۳۸۸). *بررسی شاخص‌های جمعیتی مسکن ایران در سال ۱۳۸۵*. *فصلنامه جمعیت*، (۶۸/۶۷)، ۵۷-۸۰.
۱۰. سرتیپی پور، م. (۱۳۸۴). *شاخص‌های معماری مسکن روستایی در ایران*. *نشریه هنرهای زیبا*، ۲۲ (۲۲)، ۴۳-۵۲.
۱۱. سرتیپی پور، م. (۱۳۸۸). *بررسی تحلیل مسکن روستایی در ایران*. *مجله صفا*، ۱۸ (۲۵)، ۴۷-۶۰.
۱۲. سرتیپی پور، م. (۱۳۸۹). *ارزیابی و تحلیل مسکن روستایی استان سیستان و بلوچستان و پیشنهاد جهت‌گیری آتی*. *فصلنامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران*، ۸ (۲۷)، ۹۵-۱۳۵.
۱۳. صمیمی، ا.، علمی، ز. و هادی‌زاده، ا. (۱۳۸۶). *عوامل مؤثر بر تعیین رفتار شاخص قیمت مسکن*. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۹ (۳۲)، ۳۱-۵۴.
۱۴. صیدیایی، ا.، کیانی سلمی، ص. و سلطانی، ز. (۱۳۸۹). *تحلیل فضایی وضعیت مسکن روستایی در استان کهگیلویه و بویراحمد*. *فصلنامه پژوهش‌های روستایی*، ۱ (۲)، ۴۹-۷۲.
۱۵. عزیزی، م. (۱۳۸۴). *تحلیلی بر جایگاه و دگرگونی شاخص‌های مسکن شهری در ایران*. *نشریه هنرهای زیبا*، ۲۳ (۲۳)، ۳۴-۲۵.
۱۶. عنابستانی، ع. (۱۳۹۰). *بررسی آثار فعالیت‌های اقتصادی بر الگوهای مسکن روستایی (مطالعه موردی: روستاهای خراسان رضوی)*. *دو ماهنامه پیام مهندس*، ۱۱ (۵۴)، ۱۰۱-۱۱۱.
۱۷. فاضلی، ن. (۱۳۸۶). *مدرنیته و مسکن (رویکردی مردم‌نگارانه به مفهوم خانه) سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن*. *فصلنامه تحقیقات فرهنگ*، ۱ (۱)، ۶۳-۲۵.
۱۸. قادرمرزی، ح.، جمینی، د.، جمشیدی، ع.، چراغی، ر. (۱۳۹۲). *تحلیل نابرابری فضایی شاخص‌های مسکن در مناطق روستایی استان کرمانشاه*. *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۲ (۱)، ۹۳-۱۱۴.
۱۹. مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). *نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان آذربایجان غربی*. تهران: مرکز آمار ایران.

20. Hewitt, W. E. (1998). The role of international municipal cooperation in housing the developing world's urban poor: the Toronto-Sao Paulo example. *Habitat International*, 22(4), 411-427.

An Investigation into Unequal Housing Indices in Rural Areas of West Azarbaijan

Nosrat Moradi*¹ - Yosouf Ghanbari² - Elham Veisi³ - Isa Bahari⁴, Edris Yousefzadeh⁵

1- Ph.D. Candidate., in Geography and Rural Planning, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

2- Assistant Prof., in Geography and Rural Planning, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

3- MSc. Student., in Geography and Rural Planning, University of Shahid Chamran, Ahvaz, Iran.

4- Ph.D. Candidate., in Geography and Rural Planning, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

5- MSc. Student., in Geography and Rural Planning, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Received: 16 June 2014

Accepted: 18 April 2015

Abstract

Purpose: The present study is aimed at analyzing imbalances and enjoyment levels of West Azarbaijan counties in terms of enjoyment of rural housing indices.

Methodology: Required data of 38 indices that used in the present research, were gathered from general population survey of Iran's Statistics Center in 2011. Said indices were grouped in four categories as infrastructure and welfare, structure safety, facilities and services of health. Then these indices were analyzed using TOPSIS model. Finally, the rural areas of West Azarbaijan province classified based on cluster analysis, and enjoyment levels of them displayed on the map using ArcGIS software.

Findings: The results showed that the highest inequality and least enjoyment of townships belong to rural housing health indices and the least inequality to structure safety. The result of combined indices showed that more than half of the West Azarbaijan province counties are in good conditions in enjoyment of rural housing indices and the rest townships are located in middle and less than middle status. Comparison of the results in separated groups and combined indices showed that there is inequalities and imbalances in separated groups than combined indices. While this inequality in combined indices is much less and there is homogeneity among townships in terms of enjoyment in rural housing indices.

Research limitation: Accessibility to more accurate and more detailed informations and also defects related to a special model for measuring situation of rural housing indices can be one of the most important limitations in the present study.

Practical implications: In order to make regional equalities and move forwards to sustainable development, it is necessary that the housing development policies focus on the rural less populated and isolated areas. Otherwise, the rural housing problem can lead to more inequalities and rural exoduses.

Original/value: Identification of inequalities and imbalances in the context of geographical regions is one of the most important tools for planning. Analyzing and determining of areas enjoyment levels in terms of facilities and services cause to identify their strengths, weaknesses, potential and limitations in geographical spaces. This research is a descriptive-analytic and causal one.

Key Words: Enjoyment levels, West Azarbaijan Province, index, rural housing, TOPSIS model, cluster analysis model.

How to cite this article:

Moradi, N., Ghanbari, Y., Veisi, E., Bahari, I. & Yousefzadeh, E. (2015). An investigation into unequal housing indices in rural areas of West Azarbaijan. *Journal of Research & Rural Planning*, 4(2), 51-65.

URL <http://jrrp.um.ac.ir/index.php/RRP/article/view/36421>

ISSN: 2322-2514

eISSN: 2383-2495